

فرار از جهنم

زنان «موصل» از روزها و قوانین حکومت وحشت داعش می‌گویند

به تنهایی از خانه خارج شود و حرکات ابزاری نیروهای داعش سبب شد تمام زنان شاغل یا محصل در موصل، از شغل و تحصیل دست بکشند و خانه‌نشین شوند. هر زنی چه پیرو چه جوان که از قواعد آنها تخطی می‌کرد، حدود ۴۰ دلار امریکا جریمه نقدی می‌شد و نزدیک‌ترین وابسته مرد آنها محکوم به تحمل حداقل ۴۰ ضربه شلاق می‌شد.

«امینه» یک زن مسن گرفتار آمده در قواعد فوق که حالا از موصل فاصله گرفته است، می‌گوید: آنها زنان را موجوداتی می‌دانند که اسباب شرمساری اند و اصلاً راضی به دیده شدن آنها در اجتماع نیستند.

«فوزیه دیپ»، دیگر زن رها شده از بند داعش می‌گوید: داعشی‌ها دائماً به ما زور می‌گفتند و زندگی ما تبدیل به یک جهنم شده بود. خوشحالم که از آن جهنم گریخته‌ام و روحم آزاد شده است. البته اوضاع در بدو ورود داعشی‌ها به موصل متفاوت بود. اظهار که مادر ۵ فرزند است و اینک در کمپ آوارگان روستای حسن شامی در فاصله‌ای نه چندان دور از موصل روزگار می‌گذراند، می‌گوید: داعشی‌ها در ابتدای ورود به موصل رفتار بسیار بهتری داشتند و پوز دموکراتیک گرفته بودند ولی بعد از اینکه کاملاً بر اوضاع مسلط شدند، روح شیطانی و باطن مخوف خود را آشکار کردند. دختر من هنگام خرید از یک مغازه به اتهام رعایت نکردن قوانین داعش، مورد تعرض قرار گرفت. آنها به من گفتند مگر نمی‌دانی در قواعد ما، زنان حق رفتن به جایی به تنهایی را ندارند؟ آنها یک بازداشتگاه ویژه برای تأدیب زنان به راه انداخته بودند و آنجا به زنان بی حرمتی می‌کردند. «هوازن» ۱۷ ساله می‌گوید: مراسم عروسی من در راه بود اما داعشی‌ها که مطلع شده بودند، گفتند حق برگزاری هیچ مراسمی را نداریم و اگر نه همه شما را خواهیم گرفت. در نهایت در خانه خودمان بی سروصدا و فقط در حضور پدر و مادر و والدین شوهرم به عقدی در آمدیم. از همه عجیب‌تر، حرف‌های پایانی ایمان عراقی است که مطلب را با و صاف و شروع کردیم. اومی‌گوید: ظاهراً تمام سختگیری داعشی‌ها برای دیگران است زیرا فقط دو ماه بعد از بستن سالن آرایش من، یکی از نفرت‌شان را نزد من فرستادند و گفتند برای آرایش عروس تازه‌مان به محلی که مقرر کرده‌ایم، بیا. من وزن همسایه‌مان هر شب پنهانی روی پشت بام ملاقات کرده‌ام و از آرزوهایمان برای آزادی از دست داعشی‌ها می‌گفتم. آن روزها سرانجام با حمله ارتش عراق به موصل بر آورده شد.

منبع: WallStreetJournal



عکس: Beritasatu

امضا گرفتند که اگر یک بار دیگر سالن آرایش را به راه بیندازد، وی را برای مدت طولانی زندانی کرده و برادرش را هم شلاق خواهند زد. عراقی که تازه ۲۱ ساله شده است، در طلوع بهار ۲۰۱۷ می‌گوید: دیگر دلم نمی‌خواست از خانه بیرون بروم. اوضاع نفرت‌انگیز شده بود. او در نهایت از موصل گریخت و اینک در یک کمپ آوارگان در حومه شرق موصل مستقر است. با این حال «عراقی» از این بابت بسیار شاد است زیرا طی دو سال حاکمیت داعش بر موصل، او و هم‌تایانش زندانیان غیررسمی محسوب شده و در خانه خود محبوس بودند. در سیستم زندگی داعشی‌ها هیچ زنی حق ندارد

□ **مازگریتا استاناساتی - مترجم: وصال روحانی / ایمان عراقی**
پیش از حمله داعش به موصل، زندگی آرامی داشت. اما ناگهان طوفان داعش، آرامش او و هزاران موصلی را برهم زد. او پیش از ورود داعش به موصل، به قصد کسب درآمد برای خانواده‌اش، یک سالن کوچک «آرایش نو عروسان» را در شهر موصل عراق به راه انداخته بود ولی بعد از ورود داعش به شهر، بشدت بابت این شغل پشیمان شد. وقتی اهالی شهر و نیروهای دولتی از موصل بیرون رانده شدند، داعشی‌ها که شهر را تسخیر کرده بودند، بساط «ایمان عراقی» را هم به هم ریختند و او برادرش را بازداشت کردند و از او

«جوخه زنان»، کابوس داعش

خاتون خیدر: این تازه آغاز کار ما است

یک زندان ۱۱ روزه بدون غذا و آب جان سالم به در برد، می‌گوید: ماندگارترین تصویر در ذهن من صحنه فرار مردان روستا از دست داعشی‌ها و تیراندازی مهاجمان از پشت به آنها بود. من فریادهای گوش خراش مرگ را ناقوس وار شنیدم.

در آن زمان‌ها هیچکس تصور نمی‌کرد چنان رشادتی در خاتون خیدر و هم‌تایان وی نهفته باشد ولی امروز داعشی‌ها هم مثل دیگران به این امر معترفند.

خیدر می‌گوید: متأسفانه خاتنان و بدبینان تعدادی از افراد ما را به داعشی‌ها لو دادند و برخی بچه‌های ما را هم به بردگی گرفتند اما این مسأله عزم ما را برای مبارزه را سبک‌تر نکرد. حتی وقتی داعشی‌ها قصد تعرض به یکی از زنان ما را داشتند او خودکشی کرد تا این داغ ننگ را نپذیرد.

خیدر می‌افزاید: از پدرم اجازه گرفتم تا با داعشی‌ها بجنگم زیرا آنها نه فقط ملک و خاک ما بلکه کل موجودیت عراق را به خطر انداخته‌اند.

امروز ما حتی اقلیت‌های کردی را نیز به گروه خود راه می‌دهیم و آموزش‌های نظامی ما به سفت و سختی تمرینات مردان است. ما در این سال‌های دشوار آنقدر ظلم از جانب سربازان آمریکایی اشغال‌کننده عراق و سپس داعشی‌ها دیده‌ایم که ذهنمان فولادی شده و دیگر کم نمی‌آوریم. ما حتی توانسته‌ایم تعدادی از اسرای خود را از دست داعش در آوریم و هر روز تعدادی داوطلب برای پیوستن به جمع مان داریم. کار برای ما تازه آغاز شده است.

منبع: Daily Telegraph
مترجم: وصال روحانی

ولی مرگ بسیاری از آنها در جنگ‌های سیاسی و اجتماعی و عقیدتی شمار آنها را به یک چهارم آن عدد رسانده است. هم اینک نیز آنها جنگی عقیدتی با داعشی‌ها اضافه بر جنگ دولت مرکزی عراق با این سازمان تروریستی جنایتکار دارند که بر پایه اعتقادات مذهبی این قوم استوار است و داعشی‌ها آنها را پیروان شیطان نامیده‌اند. از اگوست ۲۰۱۴ که داعشی‌ها به روستای محل استقرار قوم خاتون خیدر رسیدند، آرامش اندک آنها هم از دست رفت و تیراندازی بیرحمانه داعشی‌ها حتی مردان مستقر در روستای سنجان را به بلندی‌های اطراف این روستا متواری ساخت. خیدر ۳۶ ساله و هم‌زمانش میدان را خالی نکردند و تا امروز مشغول مبارزه با داعش‌اند. وی که یکبار از

□ **جوزی انسور / فرماندهی یک جوخه کاملاً زنانه در نبرد عراقی‌ها با داعش با خاتون خیدر است. او زنی است که به سختی می‌توان میزان شجاعتش را تعیین و توصیف کرد.**

خیدر یک ایزدی است. قومی قدیمی که سال‌ها برای هویت منطقه محل زیست خود در عراق مبارزه کرد و در تهاجم داعش بسیاری از اعضایش به مسلخ مرگ کشیده و زناش به بردگی جنسی گرفتار شدند. با این اوصاف نباید از مقاومت ذاتی و فراوان وی به حیرت در آمد یا به طرح این سؤال پرداخت که خیدر و اعضای جوخه‌اش به چه سبب در نبرد نابرابر با داعش این قدر ثابت قدم‌اند.

کل اعضای تبار و قوم خیدر روزگاری به ۶۰۰ هزار نفر می‌رسید



عکس: AFP